

The perception of political and spiritual leaders, especially Ayatollah Khamenei's approach to the Persian language issue in his writings and speeches, shows the importance of the present study to pay attention to the function and importance of the Persian language in his view. The research method is descriptive and the tool is a library whose perception in their meetings with different strata, especially writers and poets during the years 1385 to 1395 has been researched on the Persian language. Ayatollah Khamenei's views on this subject are fully collected in this study and how he views the Persian language, its importance, its advantages and disadvantages, how it affects and factors affecting the Persian language and its role Has been analyzed and criticized in the transmission of culture. The results of this analysis showed that the Persian language is important from his point of view in terms of transmitting cultural elements, intergenerational relations, preserving historical memory, and achieving the goal of building Iranian Islamic civilization; In such a way that during all the years and in many meetings with different strata of people and audiences from all walks of life, the value, importance of the Persian language has been pointed out.

### بررسی و تحلیل جایگاه و کارکرد زبان فارسی در نگاه آیت الله خامنه ای

بهروز ساقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

مصطفی گرجی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

فاطمه کوپا<sup>۳</sup>

حسین یزدانی احمد ابادی<sup>۴</sup>

#### چکیده:

نکته مهم در توسعه یافتگی هر ملت توجه به اهمیت، جایگاه و کارکرد زبان در ذهن و ضمیر صاحبان قدرت و اندیشمندان فرهنگی آن است. زبان فارسی که دومین زبان پرمخاطب در جهان اسلام به شمار می آید، می تواند در برنامه ریزی فرهنگی ما نقش ایفا کند که به دلایلی چنین نشده است. تلقی رهبران سیاسی و معنوی به ویژه رویکرد آیت الله خامنه ای به مساله زبان فارسی در نوشتار و گفتارهای ایشان نشان از این مهم دارد که هدف پژوهش حاضر توجه به کارکرد و اهمیت زبان فارسی در نگاه و نگره ایشان است. روش پژوهش، توصیفی و ابزار، کتابخانه‌ای است که تلقی ایشان در دیدارهایشان با اقشار مختلف، به ویژه ادبا و شاعران طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ در باب زبان فارسی و اکاوی شده است. نظرات آیت الله خامنه ای در باره این موضوع در این پژوهش به صورت کامل گردآوری شده و نحوه نگرش ایشان به زبان فارسی، ارزش ها و اهمیت آن، مزیت ها و آسیب های آن، نحوه تأثیرگذاری آن و عوامل موثر بر زبان فارسی و نقش آن در انتقال فرهنگ، تحلیل و نقد شده است. نتایج این تحلیل نشان داد که زبان فارسی از دیدگاه ایشان \_ از نظر انتقال عناصر فرهنگی، ارتباط نسل ها، حفظ حافظه تاریخی، و رسیدن به هدف بنای تمدن ایرانی اسلامی، بسیار مهم است؛ به گونه ای که در طول تمامی سال ها و در بسیاری از دیدارها با اقشار مختلف مردم و مخاطبان از هر قشری به ارزش و اهمیت و جایگاه زبان فارسی اشاره و تأکید شده است.

کلیدواژه ها: "آیت الله خامنه ای"، "زبان فارسی"، "فرهنگ"، "ادبیات"، "تمدن"

دانشجوی دکتری، ادبیات فارسی، تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور - تهران ایران<sup>۱</sup>

دکترای تخصصی - دانشیار - استاد دانشگاه پیام نور<sup>۲</sup>

دکترای تخصصی - دانشیار - ادیب فارسی - تحصیلات تکمیلی - دانشگاه پیام نور - تهران ایران<sup>۳</sup>

دکترای تخصصی - دانشیار - دبیت فارسی - تحصیلات تکمیلی - دانشگاه پیام نور - تهران ایران<sup>۴</sup>

زبان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و از همه مهمتر وسیله‌ی بیان تفکر است. این انتقال و ارتباط می‌تواند با گفتن، نوشتن، اشاره و یا حتی لمس انجام شود. هر قدر وسیله انتقال فکری ما که به آن زبان می‌گوییم ساده تر و دقیق تر باشد، عمل انتقال فکری به همان اندازه راحت تر و دقیق تر صورت خواهد گرفت؛ چرا که زبان عالی‌ترین دستگاه تمثیلی (سمبولیک) بشر است که خود زیربنا و زیرساخت فرهنگ نیز شمرده می‌شود. مساله مهم دیگر در بررسی زبان به عنوان عنصر پیشرفت/پسرفت جوامع در تحلیل‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، ربط و نسبت آن با مساله روان/ذهن انسان است؛ ذهنی که به قول اسپینوزا همان «صفت فکر» خدا است؛ همان گونه که جسم انسان همان «صفت امتداد» خدا تصویر و تصور شده است. (گراسمن، ۱۴۰۰: ۱۵۴)

در فرهنگ و لسان منطق و فلسفه، انسان را که از نظر ظاهر و جسم کاملاً شبیه دیگر جانداران است؛ با عنوان حیوان ناطق، از دیگر حیوانات متمایز شده است. ناطق هم سخنگوست و هم مترادف متفکر و اندیشمند است؛ یعنی در واقع هر دوی این صفاتی که به انسان داده‌اند یکی‌ست. وابستگی لفظ به معنا و ترادف نطق و عقل و اندیشه نشان می‌دهد که انسان ناطق، همان انسان اندیشمند است و این بدون آن معنا عینیت نمی‌یابد. تفکر همچون نیروی جاذبه‌ای نامرئی، صورت‌های ذهنی را به رشته نظم می‌کشد و از اجرام به هم ریخته‌ی ذهن آدمی منظومه‌هایی هماهنگ و منسجم می‌سازد. اما رشته و ریسمانی که قوه‌ی تفکر با آن، ذهنیات و تصورات پراکنده را به نظم درمی‌آورد، همان زبانی‌ست که از عبارت‌ها، واژه‌ها و حروف رشته شده است. از همین جاست که بسیاری از زبان‌شناسان با عبارت‌های مختلف، یک مفهوم را بیان می‌کنند و معتقدند که اگر واژه‌ها و عبارات یعنی زبان نبود، اصلاً امکان تفکر وجود نداشت. «زبان فکری است که در قالب واژگان و ساختار، در موقعیتی خاص، لباس یا خط یا صوت به تن کرده است و قصد صاحب فکر را افشا می‌کند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۲) یا حداقلش بر این باورند که زبان به تفکر جهت می‌دهد.

با این تفصیل وقتی انسان تفکر می‌کند یا قوه ذهن و تخیل خود را به حرکت درمی‌آورد؛ در واقع در عالم درون خود در حال سخن گفتن است؛ یعنی تفکر، سخن گفتن و نوشتن بالقوه است. وقتی چرخ دنده‌های ذهن و جسم ما با هم درگیر می‌شود - که در اکثر موارد هم به صورت ارادی است - تبدیل گفتار به تفکر شفاهی و کتبی یا همان حرف زدن و نوشتن و نقاشی کردن یا دیگر کارهای خلاقانه می‌شود. بنابراین سخن گفتن حقیقی در درون ذهن ما و به زبان تفکر صورت می‌گیرد و حرف زدن یا نوشتن ظاهری و صوتی و تصویری زمانی به وقوع می‌پیوندد که ما به‌طور ارادی برای ارتباط با دیگران آن تفکر را تکلم و مصوت یا مکتوب می‌کنیم و یا رنگ صوت و کلام و عمل به آن می‌زنیم.

می‌شود فکر کرد و سخن نگفت، ولی بدون تفکر حرف زدن غیرممکن می‌نماید. تفکر، حرکت در واحد واژگان و در مقیاس کلمه و کلام است. این حرکت گاه از جزء به کل و گاه از کل به جزء صورت می‌گیرد. واژه‌ها و عبارت‌ها اجزاء ریلی هستند که ما در مسیر حرکت قطار اندیشه می‌گذاریم و در اغلب موارد این مسیر را خود تعیین می‌کنیم.

بر اساس فرایند فوق، زبانی قابلیت و کارآمدی لازم برای تعامل پیش‌رونده میان اندیشه و زبان برقراری ارتباط سالم میان افراد و حفظ و انتقال داده‌ها و به‌روز شوندگی را خواهد داشت که از امکانات لازم برای این امر برخوردار باشد؛ امکاناتی

مانند ترکیب پذیری، شیوایی و سادگی، غنی و سرشاربودن، گنجایش و ظرفیت داشتن، آهنگین و شیرین بودن، گستردگی و دامنه نفوذ و....

این که زبان فارسی در جغرافیا و منطقه ای پر حادثه و کشاکش، در تقاطع و تلاقی ادیان، فرهنگ‌ها، نژادها و اقوام، دستخوش جنگ‌ها، بلایای عظیم طبیعی، جابجایی‌ها و مهاجرت‌ها و تحولات، ساختار و مزیت رسانگی و قدرت انتقال خود را حفظ کرده مرهون بسیاری از ویژگی‌هایی بوده که دارد و باید می‌داشته است.

بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است دیدگاه‌ها و نگرش آیت‌الله خامنه‌ای در باره زبان فارسی، ارزش‌ها، حدود و ثغور و آسیب‌هایی که آن را تهدید می‌کند مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۲-۴. روش تحقیق

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و از نوع پژوهش‌های نظری است. روش انجام این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و بر مبنای تحلیل و نقد مقاله‌ها با توجه به معیارهای دانشگاهی و مجلات معتبر است. جامعه مورد مطالعه ما در این پژوهش مشتمل بر مجموعه آثار و دیدگاه‌های مکتوب آیت‌الله خامنه‌ای درباره ادبیات/متون ادبی/زبان فارسی است که در فاصله زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ ثبت و ضبط گردیده است.

مطالعه گفتار/نوشتارهای مکتوب آیت‌الله خامنه‌ای در تاریخ‌های مختلف در بازه زمانی تعیین شده پژوهش، در باب محتوای تعیین شده این مقاله یعنی آراء و بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در باب ادبیات، یادداشت برداری و فیش برداری از تمامی این آثار مکتوب، به منظور فهم مضامین از مراحل اصلی این پژوهش است. همچنین مطالعه و مرور در محتوای سخنرانی‌ها، بیانات و دیدارها که یا در رسانه برخط رهبری با عنوان [leader.ir](http://leader.ir) و [hamenei.ir](http://hamenei.ir) به منظور یافتن بیاناتی که در باب پژوهش حاضر با محتوای تمدن و فرهنگ، ادبیات و هنر، شعر و رمان و شخصیت‌های ادبی باشد؛ به طور دقیق صورت گرفت. به همین صورت، مجلات و مقالاتی نیز مطالعه شد که به جمع‌آوری آثار مکتوب و بیانات ثبت شده ایشان مبادرت کرده بودند و از این منابع نیز جهت بهره‌مندی در محتوای پژوهش و اثبات فرضیه‌ها استفاده شد. پس از مطالعه این آثار و بررسی دقیق نظرات آیت‌الله خامنه‌ای در باب زمینه ادبیات و جمع‌بندی موضوعات مطروح توسط ایشان و حتی توجه و تمرکز بر موارد تاکیدی در این محتوا و همچنین مخاطبان صحبت‌ها و دیدارهای ایشان، به نتایج جالب توجهی دست یافتیم که تمامی این موارد در دو بخش متن و ادبیات اصلی پژوهش و بخش تحلیل محتوای آراء و بیانات ایشان نوشته و جمع‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفت.

#### ۲-۱. پیشینه تحقیق

توجه به فرهنگ به مثابه مجموعه دستاوردهای بشری در مقابل طبیعت به مثابه مجموعه دستاوردهای غیربشری (Nature) از یک سو و در معنای دیگر آن یعنی مجموعه دستاوردهای معنوی بشری در مقابل مجموعه دستاوردهای مادی بشر (civilization) از سویی دیگر و البته در معنای سوم آن یعنی مجموعه ساحت‌های درونی باورها و اعتقادات، احساسات و

عواطف و هیجان‌ها در حوزه دانش‌های همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... محل تامل و بررسی بوده است. در این میان زبان در معنا و گستره عام آن و زبان و ادبیات فارسی از جمله موضوعاتی است که در دستگاه فکری صاحبان اندیشه و دیپلماسی فرهنگی بسیار مهم تلقی شده است. در این گستره آیت الله خامنه‌ای در بسیاری از سخنرانی‌ها و جلسات عمومی و خاص به آن پرداخته‌اند و به همین دلیل مورد توجه تعدادی از پژوهشگران نیز قرار گرفته است.

در این میان سال ۱۳۷۴ مجله فرهنگستان، مقاله‌ای با عنوان «سخنان و رهنمودهای رهبر معظم، حضرت آیت الله خامنه‌ای در مجلس دیدار با اعضای شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی» و بیانات آیت الله خامنه‌ای در باب جایگاه زبان و ادبیات فارسی؛ و همچنین مجله کیهان فرهنگی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان در زلال اندیشه: نقشه راه فرهنگی کشور در بیانات اخیر امام خامنه‌ای، «سخنان آیت الله خامنه‌ای در باب نقشه فرهنگی کشور و فرهنگ را عیناً» گزارش کرده‌اند. مجله کیهان فرهنگی در سال ۱۳۹۵ مجدداً مقاله‌ای را در باب فرهنگ از بیانات وی با عنوان «امام خامنه‌ای: مهمترین ثروت‌های ما ثروت فرهنگی است» منتشر کرده است؛ که این نیز فقط چکیده‌ای از بیانات رهبر انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران «راهیان نور» (۹۵/۱۱/۱۶) است که در باب ارزش‌ها و ثروت‌های فرهنگی ایراد کرده‌اند.

همچنین جهان بین (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان باغبانی فرهنگ؛ مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در مجله مطالعات انقلاب اسلامی، بیانات آیت الله خامنه‌ای را در باب فرهنگ صرفاً «جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است».

جهان بین و معینی پور (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی با عنوان «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای»، مبحث تمدن را بررسی و گردآوری نموده‌اند؛ که موضوع اصلی این نوشتار تبیین نظر آیت الله خامنه‌ای در باب لوازم پیشینی تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی با استخراج و دسته‌بندی آنها می‌باشد.

خاشعی و همکارانش (۱۳۹۸) در باب موضوع نگاه امام خامنه‌ای به فرهنگ دانشگاهی، پژوهشی را انجام دادند با عنوان: «طراحی چارچوب مسئله‌شناسی فرهنگی در دانشگاه‌ها از دیدگاه امام خامنه‌ای»؛ که در این پژوهش نیز تلاش کرده است با بهره‌گیری از بیانات ایشان این مهم را که خط مشی‌گذاری و دستیابی به تعالی فرهنگی در دانشگاه‌ها، نیازمند تدوین مأموریت‌ها و اهداف فرهنگی با توجه به شرایط دانشگاه‌ها مبتنی بر مقوله‌های فرهنگی شناسایی شده از دیدگاه امام خامنه‌ای می‌باشد.

همچنین صنیعی و لنگری تبیین فرهنگ اسلامی را از منظر امام خامنه‌ای در مقاله‌ای با عنوان «شناخت و تبیین فرهنگ اصیل اسلامی از منظر امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)». بیان کرده‌اند.

این پژوهش نیز معتقد است بهره‌گیری از آراء و اندیشه رهبری که بیشتر در بیانات ایشان منعکس شده است، به شناخت جامع مفهوم فرهنگ و مؤلفه‌های آن می‌انجامد و می‌تواند به غنای علمی و اندیشه‌ای فرهنگ بیفزاید. همچنین این

پژوهش به دنبال شناخت و تبیین فرهنگ اصیل اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به تاثیراتی که در حفظ و صیانت از هویت ملی و دینی جمهوری اسلامی ایران دارد، می‌باشد.

دارا و قربانی نیز مقاله‌ای در باب دیدگاه امام خامنه‌ای با مولفه‌های فرهنگی با عنوان «بازشناسی نقش مولفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای» انتشار دادند و روشنایی و همکارانش نیز دیدگاه امام خامنه‌ای را در باب تغییرات فرهنگی و فرهنگی قرانی منتشر کردند. اینان نیز با بررسی بیانات ایشان، تبیین کرده‌اند که اگرچه حکومت اسلامی دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد، اما نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اساسی خواهد بود.

رحیم پور و نوروزی (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «زبان فارسی در آیین کلام مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه‌ای» انجام دادند که به جایگاه زبان فارسی و اهمیت آن پرداخته است. در این پژوهش، همانطور که از عنوان آن برمی‌آید، با استناد به دیدگاه رهبری که برگرفته از بیانات ایشان می‌باشد، از زبان، به عنوان حافظه تاریخی یک ملت و یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده هویت ملی آن یاد شده است. همچنین مهمترین عوامل حفظ و پاسداشت زبان هر ملتی، اعظم، رهبران و به کارگیرندگان آن زبان معرفی شده است.

همچنین این مقاله به شناخت ویژگی‌های زبان فارسی در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته و با استفاده از تکنیک‌های مقوله‌ای، به گردآوری مطالب مورد نظر از میان بیانات رهبری و تجزیه و تحلیل مطالب، از جمله استخراج و برشمردن ویژگی‌هایی که در بیانات ایشان برای زبان فارسی آمده، همت گمارده است.

با توجه به اینکه بیشتر این پژوهش‌های انجام گرفته به مبحث فرهنگ و موضوعات فرهنگی با غایت استقرار تمدن ایرانی-اسلامی پرداخته است و کمتر در پژوهش‌ها، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب زبان فارسی مورد توجه قرار گرفته است؛ می‌توان گفت این پژوهش از این نظر منحصر به فرد بوده و کاری تازه و بی‌بدیل در این زمینه می‌باشد.

## ۲. بررسی و تحلیل داده‌ها

### ۲-۱. زبان فارسی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای

زبان فارسی متعلق به مجموعه‌ای است که اصطلاحاً به آن «زبان‌های ایرانی» گفته می‌شود. اصطلاح «زبان‌های ایرانی» نه جنبه قومیتی دارد، نه سیاسی و نه جغرافیایی. فقط اصطلاحی تاریخی است درباره تبار و خویشاوندی چند زبان مختلف که نه لزوماً در ایران امروزی صحبت می‌شوند، نه شامل همه زبان‌های رایج در ایران امروزی می‌شوند و نه لزوماً ارتباطی به تبار و خون و قومیت اقوامی دارد که به یکی از زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند. در واقع نام «زبان‌های ایرانی» با توجه به شواهد زبان‌شناسی تاریخی برای گروهی از زبان‌ها برگزیده شد که با توجه به شباهت‌های واژه‌شناختی و دستوری می‌دانیم که ریشه‌های همگی به نیای مشترکی در چند هزار سال پیش بازمی‌گردد.

اگر ریشه مشترک همه زبان‌های ایرانی به زبان مشترکی می‌رسد که چند هزار سال پیش تکلم می‌شده، خود این زبان فرضی و قدیمی و همه زبان‌های ایرانی بعد از آن، شاخه‌ای از خانواده «زبان‌های هند و ایرانی» است؛ یعنی نیای مشترک باز هم قدیمی‌تری میان قدیمی‌ترین زبان ایرانی و قدیمی‌ترین زبان هندی وجود دارد که آن را هندوایرانی باستان می‌نامیم. خود این زبان هم از نیای مشترک خیلی قدیمی‌تری آمده که زبان هندواروپایی باستان نامیده می‌شود و خودش نیای مشترک زبان‌های ایرانی، هندی و اغلب زبان‌های اروپایی بوده است: «پیش از زبان هندواروپایی باستان هم زبان قدیمی‌تری وجود داشته... که درباره آن اطمینان داریم این است که همه زبان‌های امروزی بشر، هر اندازه هم که با یکدیگر تفاوت داشته باشند، نیای مشترکی داشته‌اند که قدمت آن به حدود پنجاه هزار تا صد هزار سال پیش می‌رسد. آیا قبل از آن انسان‌ها زبان مشترکی داشتند؟ هیچ چیزی درباره آن نمی‌دانیم» (ابوالقاسمی، ۱۳۹۴)، تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت. با توجه به این کلیت آیت‌الله خامنه‌ای از زبان به مثابه موجودی زنده و نیازمند رشد، پیشرفت و توسعه یاد می‌کنند. ایشان ویژگی‌های زبان فارسی را در موارد ذیل می‌دانند: «ترکیب پذیری، شیوایی و سادگی، غنی و سرشار بودن، گنجایش و ظرفیت داشتن، آهنگین و شیرین بودن، گستردگی و دامنه نفوذ، زبان علم، زبان اسلام و انقلاب اسلامی که در بین این ویژگی‌ها، ویژگی «زبان علم، اسلام و انقلاب اسلامی».

(رحیم پور، نوروزی، ۱۳۹۶)

## ۲-۲. حدود و ثغور زبان فارسی

درباره محدوده تحت نفوذ زبان فارسی و حدود و ثغور آن محققان زیادی سخن گفته‌اند. در این میان ایشان برآنند «این زبان پرظرفیت، شیرین، رسا و زیبا توانسته است بخش عظیمی از مناطق جغرافیایی جهان را تحت تسلط و سیطره معنوی خود درآورد، با نفوذ معنوی، کارآیی، شیوایی و قدرت بلاغت خود در دل ملت‌ها جا باز کند و برای آنان فرهنگ، دین، معرفت و تمدن به ارمغان آورد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) آیت‌الله خامنه‌ای در یک فقره دیگر بر آن است: «یک روز از چین تا روم و همین آسیای صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می‌دادند. انسان می‌بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعرایی به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی‌گو هستند؛ وضع هند و شبه قاره‌ی هند هم که معلوم است. بنابراین، نفوذ زبان فارسی بسیار بوده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

## ۲-۳. ارزش‌ها و تاثیرگذاری زبان فارسی

به طور طبیعی تأثیرگذاری هر مقوله‌ای بستگی زیادی به ارزش/ فواید آن دارد و خود این فرایند می‌تواند در شمار یکی از مهمترین ارزش‌های هر چیزی قرار گیرد. بر همین اساس وقتی آیت‌الله خامنه‌ای که خود فردی فرهنگی و کتاب‌خوان هستند و همین کثرت مطالعه و کتاب‌خوانی ایشان موجب شده است که بر بیشینه امکانات، ارزش‌ها و ظرایف آن واقف شوند و به طور کلی علائم حیاتی آن را می‌دانند؛ و -با اینکه خود اصالتاً ترک‌زبانند، ولی با زبان و ادب فارسی انس دیرینه‌ای دارند- و خود را «... یک آدم عاشق و شیفته‌ی زبان فارسی...» معرفی می‌کنند. بر این اساس ایشان زبان فارسی را «پرظرفیت، شیرین، رسا و زیبا» و برخوردار از «کارآیی، شیوایی و قدرت بلاغت» می‌دانند و معتقدند «این زبان خیلی سعه و ظرفیت دارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) همچنین نظرشان این است که می‌شود «با سلیقه‌های خوب، از زبان فارسی، بی‌نهایت ترکیب‌های خوب درست کرد.» «زبان فارسی یک آهنگ موسیقایی زیبا دارد و از انعطاف، روانی و کشش بسیار بالایی برخوردار است؛ بنابراین در زبان فارسی، خشونت وجود ندارد و بسیار دلنشین و دلپسند است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) از ارزش‌ها و

تأثیرگذاری های زبان فارسی همین بس که «توانسته است در ایران، بیشترین تلاش را برای گسترش و تحکیم اسلام انجام دهد. اسلام، به زبان عربی وارد ایران شد؛ اما به زبان فارسی ترویج پیدا کرد و در طول قرن های متمادی، بیشترین معارف اسلامی و سخنان حکمت آمیز به وسیله ایرانیان فارسی زبان در میان ملت ها انتشار یافت. بنابراین زبان فارسی در این بخش از جهان از حقوق واضحی در جهت گسترش اسلام و فرهنگ و تمدن بشری برخوردار است» (خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) بر همین اساس و با توجه به گستره نفوذ زبان فارسی و آثار آن، این زبان به عنوان زبان دوم دین اسلام خصوصاً مذهب تشیع شناخته شده است. به همین دلیل است که ایشان تأکید دارند که «هر کس به معارف بشری علاقه مند باشد، باید برای زبان فارسی ارجح و مرتبه ای خاص قائل باشد» (خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) چرا که «بخش عظیم و غیرقابل اغمازی از موارث کهن بشریت، اعم از فلسفه، دین، علم، اخلاق، عرفان و سیاست به وسیله زبان فارسی منتقل شده است که دست یافتن به آن بدون اطلاع از این زبان آسان نیست.» (خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲)

«این زبان خیلی سعه و ظرفیت دارد.... زبان فارسی از جهتی یک زبان استثنایی است. زبان عربی با آن گستره ی واژگانی که دارد، خصوصیت زبان فارسی را ندارد و آن، ترکیب پذیری زبان فارسی است. می شود با سلیقه های خوب، از زبان فارسی، بی نهایت ترکیب های خوب درست کرد. البته ترکیب های غلط و بد هم می شود درست کرد و امروز ما دچار این بلیه هستیم؛ یعنی هرکس ترکیبی درست می کند! البته در سابق لغت درست می کردند، که دفع کردنش آسانتر بود. من دیده بودم که در مجامع اهل ادب و شعر مشهد - که مردمان فاضل و با درکی آن جا بودند - این لغتهای دساتیری و جعلی و من درآوردی را می شناختند؛ اصلاً از آهنگ لغت می گفتند که این دساتیری است؛ درست هم بود؛ تحقیق می کردند، معلوم می شد که واقعاً همین طور است. درعین حال، ما ترکیب های دساتیری نداریم. الان ترکیب، دست همه افتاده و همه ترکیب درست می کنند! عجیب این است که بعضی از این طباع عوام، یک ترکیب خوب را خیلی دیرتر و سخت تر می پذیرند تا ترکیب غلط را» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

#### ۲-۴. لزوم برنامه ریزی برای ترویج و توسعه زبان فارسی

احیای تمدن ایرانی اسلامی از اهداف بلند آیت الله خامنه ای به مثابه طراح و تئورسین فرهنگی کشور محسوب می شود و تمام مسائل دیگر در ذیل و تحت الشعاع آن قرار دارد. تمدن که در بستر یک جامعه ایجاد می شود، چهار پایه دارد که به ترتیب اهمیت و دربرگیری فرهنگ، سیاست، علم و اقتصاد را شامل می شود. همه این چهار رکن تمدن به هم مربوطند و همپوشانی تنگاتنگی دارند. هریک از این چهار رکن هم زیرمجموعه هایی با ارتباطات درهم تنیده ای دارند. اما زیرمجموعه یکی از اینها یعنی ادبیات و مشخصاً زبان، مقوله ای است که حلقه وصل و ارتباط همه ارکان نیز می باشد. به عنوان مثال، رکن فرهنگ یکی از زیربنایی ترین مولفه های قدرت یک تمدن و جامعه است؛ اما همین فرهنگ، اصلی ترین لازمه رشد و توسعه معطوف به درون و بیرونش ادبیات و زبان است. و وقتی می گویند آیت الله خامنه ای می گویند «ما باید دنیا را مجبور کنیم برای دستیابی به تازه های علمی، زبان فارسی یاد بگیرند» (خامنه ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲) یعنی به عبارت دیگر زبان فارسی را لازمه ی ارتباط گیری، نفوذ، بسط و گسترش، تفوق و سیطره علمی نیز می دانند.

زبان فارسی علاوه بر این که زبان دوم دین اسلام به حساب می آید؛ خدمات زیادی، هم ایرانیان پارسی زبان و هم زبان فارسی به تبیین و تعمیق و بسط و گسترش نفوذ آن کرده است. در نظر ایشان «یک روز از چین تا روم و همین آسیای



صغیر، مرز زبان فارسی را تشکیل می دادند. انسان می بیند که در دوران عثمانی، دیوان و مکاتبات آنها به زبان فارسی بوده است و شعرایی به زبان فارسی داشتند. بهترین شعرای بخشی از دوران عثمانی، شعرای فارسی گو هستند؛ وضع هند و شبه قاره ی هند هم که معلوم است. بنابراین، نفوذ زبان فارسی بسیار بوده است.» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) که بسیاری از اینها به برکت اسلام و نسبتی که بین این دین آسمانی با ایرانیان و زبانشان برقرار کرد؛ بوده است. «امروز هم حقیقتاً زبان فارسی در دنیا جاذبه جدیدی پیدا کرده است. من کسانی را از کشورهای عربی و غیرعربی دیده ام که اینها زبان فارسی را از طریق رادیوی جمهوری اسلامی یاد گرفته بودند. جاذبه ی سخنان امام و حقایق انقلاب و مفاهیم انقلابی، اینها را با زبان فارسی مأنوس کرده بود و این زبان را می فهمیدند. هم در منطقه ی شرقی عربستان که صدای ما به آنجا می رسد، هم در پاکستان و بخصوص در هند، و هم در آفریقا ما این را دیدیم. من سال ۵۹ هند بودم؛ در آنجا دیدم که کسانی به خاطر سرودهای انقلابی، زبان فارسی را می فهمند؛ مطمئناً در جاهای دیگر هم این معنا وجود دارد. بنابراین، هر جا که جاذبه ی این فرهنگ و این تفکر بتواند راهی باز کند و نفوذی بکند، زبان فارسی هم هست» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

در فقره دیگر ایشان بر آن است «نمی شود باور کرد که نفوذ زبان فارسی به خاطر قدرت سیاسی کشور فارسی زبان است. آن روزی که زبان فارسی در هند زبان رسمی بود، پادشاهان مغولی هند و تیموری ها، اگر از سلاطین صفویه - که در ایران بودند - مقتدرتر نبودند، قدرت کمتری نداشتند. اورنگ زیب؛ ... نخیر، مسأله ی نفوذ سیاسی نیست؛ بایستی در چیز دیگری جستجو کرد. ... یعنی نمی توان گمان کرد که علت گسترش زبان فارسی، نفوذ سیاسی دولت فارسی ایران است. علاوه بر این، خیلی از سلاطین ایران اصلاً فارس نبودند. غزنویان و سلجوقیان شاید زبان فارسی را درست هم نمی فهمیدند. خود صفویه و قاجاریه هیچکدام فارسی زبان نبودند؛ اینها با فارسی خیلی انس و خویشاوندی نداشتند» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) ایشان در فقره دیگر بر آنند «علت نفوذ زبان فارسی در چیز دیگری است؛ شاید یک مقدار در خود ذات این زبان است؛ یعنی ترکیب و شیوایی ویژه و آهنگی که این زبان دارد. من از بعضی کسانی که در مجامع جهانی خیلی حضور پیدا می کنند و نطق های مختلف را می شنوند؛ شنیدم که می گفتند آهنگ زبان فارسی و نطق های فارسی، گیراتر از آهنگ زبانهای دیگر است. ما هم گاهی می بینیم که بعضی از اشخاصی که از کشورهای متعدد به ایران می آیند و در اینجا صحبت می کنند، آن زیبایی و فراز و نشیب لطیف زبان فارسی در کلامشان احساس نمی شود» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

یکی از نکات مهم و برجسته در این نگاه و گستره توجه جدی به مسأله گسترش و نفوذ زبان فارسی است که به کرات بر اهمیت آن تاکید کرده اند: «... علت دیگر نفوذ زبان فارسی، آن بار معنایی است که این زبان با خودش حمل می کند. زبان فارسی، فرهنگ غنی ای را با خودش می برده است؛ این فرهنگ امروز در اختیار ماست؛ عمدتاً هم فرهنگ اسلامی است؛ یعنی اسلام در این منطقه ی شرق عالم، از شبه قاره گرفته تا چین و تا هر جای دیگر که رفته، با زبان فارسی رفته است. خیلی نزدیک به نظر می آید که یکی از عوامل گسترش زبان فارسی در دنیا - و لااقل در این ناحیه - همراهی آن با دین و پیام دین و معارف دینی باشد؛ یعنی آن کسی که این دین و این معارف را می پذیرد، زبانی را هم که حامل آن است، می پذیرد. من دیده ام که قوالها در هند در آن مقبره ی شاه ولی الله می نشینند و اشعاری را به زبان فارسی هم می خوانند. البته فارسی را هم خیلی بد می خوانند؛ یعنی صدایشان خوب است، لیکن خواندنشان خیلی غلط دارد؛ درعین حال اشعار، همان اشعار عرفانی و معنوی فارسی است؛ که یا از اشعار خود شاه ولی الله و یا از اشعار دیگران می خوانند. بنابراین، ما می توانیم آن محتوای عرفانی و آن فرهنگ اسلامی را که شکل لطیف و زیبای خودش را در ایران داشته، عامل گسترش زبان بدانیم» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

همانگونه که اسلام و ایرانیان و زبان فارسی خدمات فراوانی نسبت به هم کرده اند که مرتضی مطهری نیز کتاب قطوری در این باره نگاشته است، انقلاب اسلامی ایران، اسلام و زبان فارسی هم چنین تعاملی با هم داشته اند.

## ۲-۵. تبیین نظریه ای جدید درباره خدمات متقابل اسلام و زبان فارسی

همانطور که به تبیین مرتضی مطهری در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، ایران و ایرانی در ترویج دین مبین اسلام نقش بسزایی داشته و دارد و اسلام نیز با پذیرش از سوی ایرانیان با تعالیم مترقی خود در تمام زمینه ها، خصوصاً در آن زمان، فرصت مغتنمی را در اختیار جامعه و فرهنگ ایرانی و ایرانیان قرار داد که در دوره های میانه پس از اسلام موجب پایه ریزی تمدنی ایرانی اسلامی گردید که بخشی از این تمدن و فرهنگ ایرانی اسلامی در ادبیات غنی ایران پس از اسلام متجلی گردیده است. آیت الله خامنه ای نیز عنوان می کنند که «خوشبختانه ادبیات سلف ما همه اش در جهت ارزش های الهی و اسلامی است؛ از جمله همین شاهنامه» (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵) بنابراین است که ایشان به طور کلی، ویژگی مهم سابقه ادبیات ما را در جهت ارزش های الهی و اسلامی برمی شمردند که فردوسی و سعدی را حکیم مسلمان شیعه، مثنوی مولوی را اصول اصول دین و دیوان حافظ را مشحون از عرفان و تعالیم اسلامی و قرآن معرفی می کنند. رفته رفته با گسترش مذهب تشیع، که به کمک و حمایت ایرانیان صورت گرفت، و در نهایت برای اولین بار به تشکیل حکومت فراگیر شیعی در قالب سلسله صفویه انجامید که درکل از بسیاری جهات، دوره بی نظیر و باشکوهی بود و از مهمترین نتایجش ایجاد انسجام و یکپارچگی سیاسی، سرزمینی و مذهبی بود. این روند، پس از صفویه با افت و خیزهایی ادامه یافت؛ تا اینکه با وقوع انقلاب اسلامی قوت مجدد یافت که چه از حیث سیستم حکومتی و چه در ابعاد علمی و فرهنگی به روزتر و مدرن تر گردید. اکنون با شرایط سیاسی دنیا و منطقه و ویژگی های نظام سیاسی منبعث از افکار و اندیشه های اسلامی ایرانی و شیعی، مزیتی قدرت آفرین در منطقه و جهان ایجاد کرده و خواهد کرد که باعث رشد و شکوفایی علمی فرهنگی و ایجاد تمدن اسلامی، شیعی، ایرانی و رشد و تکامل همه عناصر تشکیل دهنده آن، از جمله فرهنگ ایرانی اسلامی و زبان فارسی خواهد شد.

مهمترین اثر ادبی دوره اسلامی که محمل تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام نیز می باشد، شاهنامه فردوسی است که می توان آن را به مثابه پلی میان تاریخ، ادبیات و فرهنگ پیش و پس از اسلام دانست؛ اثری ماندگار و ارزشمند که هدف از نگارش و سرودن آن، حفظ و انتقال زبان، ادبیات و فرهنگ ایران باستان بوده؛ و ظاهراً اندک نشانه هایی که از دوره اسلامی شیعی در آن هست، حمد و ثنا و مدح نبی و وصی و خاندان ایشان صلوات الله علیهم، حروف و رسم الخط عربی، و تاریخ نگارش و سرایش آن که در دوره اسلامی انجام گرفته می باشد؛ حتی از نظر واژگانی نیز کمترین تعداد واژگان عربی در آن به کار رفته است. در حالی که همین شاهنامه ای که کاخ بلند و بی گزند نظم فارسی، بنا شده توسط فردوسی، برای حفظ و حراست از کیان زبان فارسی است، و به حسب ظاهر، عناصر اندکی از دوره اسلامی در آن به چشم می آید، عمیق ترین لایه و زیرساختش حکمت قرآنی و اسلامی می باشد. (خامنه ای، ۱۳۷۲ / ۶ / ۱۰)

آیت الله خامنه ای علاوه بر ارزش های دیگری که برای فردوسی و شاهنامه قائل اند؛ بر حکیم بودن فردوسی و حکمت متن بودن شاهنامه تأکید دارند. بر همین اساس و برخلاف ویژگی های ظاهری پیش گفته، معتقدند تأثیر دوره اسلامی در شاهنامه و اندیشه های فردوسی بسیار عمیق تر از تأثیرات ظاهری در حد اظهار ارادت به خاندان پیامبر، خط نگارش و منتسب بودنش به دوره اسلامی است. در همین باره و برای تأکید و تحکیم این نظر، استدلال می کنند: «شما خیال می کنید که

اگر در شاهنامه‌ی فردوسی چیزی برخلاف مفاهیم اسلامی وجود داشت، این قدر در جوامع اسلامی جا می‌افتاد؟ شما می‌دانید که در این نسل‌های گذشته، مردم ما چه قدر دینی بوده‌اند. در کدام خانه و کدام ده و کدام محله، شاهنامه نبود یا خوانده نمی‌شد؟ همه جا می‌خواندند و منافاتی هم با مفاهیم اسلامی نمی‌دیدند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۵)

این نوع نگاه ایشان که در دیدار با اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران بیان شده و حاوی این استدلال قوی و محکم می‌باشد که گرچه در وهله اول ساده و دم دستی به نظر می‌رسد ولی به همین دلیل استدلالی سهل و ممتنع است. ایشان با گفته فوق، ارزش و فراگیری شاهنامه را از محدودیت در حیطه قومی و زبانی خارج می‌کنند و به آن وجهه دینی و اعتقادی نیز که مرزهایش بسیار فراتر از حیطه زبانی، قومیتی و حتی فرهنگی است می‌دهند.

نکته خیلی جالب این است که بسیاری از شخصیت‌های دینی و مذهبی و حتی انقلابی پیرو ایشان به خاطر دین به نفی فردوسی و شاهنامه می‌پردازند و در مقابل، بسیاری از باستان‌گرایان و ناسیونالیست‌های وطنی هم به طور مشترک اما با نیت و رویکردی متفاوت، فردوسی و شاهنامه را در مقابل دین و اسلام قرار می‌دهند و آن را افتخار خود در مقابل دینداران می‌دانند و می‌خواهند به این وسیله، ندانسته میان این فخر ملی و ایرانیان مسلمان جدایی بیندازند، در همین حال، ایشان فردوسی را تا اوج ستایش بالا برده و یک حکیم مسلمان شیعه می‌دانند و معرفی می‌کنند؛ حکیمی که برخلاف عقیده کسانی که می‌خواهند او را مقابل اسلام و مسلمانان قرار دهند و حکمتش را حکمت اوستایی و ایران باستانی قلمداد می‌کنند، ایشان معتقداند که حکمت فردوسی حکمت قرآنی و اسلامی، آن هم اسلام شیعی است.

ایشان البته درباره شخصیت‌های دیگری از کهن و معاصر نیز مانند آنچه که درباره فردوسی و شاهنامه گفته شد، از روی وسعت نظر و عمق نگاه و شناخت درست، نظر متفاوتی در مقایسه با بسیاری از دینداران و حتی پیروان فقهی و سیاسی خودشان دارند؛ برای مثال، درخصوص مولوی و یا از معاصران، کسانی مانند اخوان ثالث و حتی شخصیت جنجالی فروغ فرخزاد! «درباره مشهورترین اثر مولوی می‌گویند: «مثنوی مولوی هم یک گنجینه‌ای از همین افکار الهی و معارف الهی است. بنابراین اینها محتواها و مضمونهاست که بهترین مصرف اینهاست.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۳/۲۵) این هم از آن مواضعی است که نظر ایشان متفاوت با بسیاری از علما و مراجع دینی است. همانطور که درباره فردوسی گروهی از دینداران نگاهی سطحی و دفعی دارند، درباره مولوی با شدت بیشتری این موضع منفی در میان علما و مراجع دینی وجود دارد؛ اما کسانی نظیر ایشان و شهید مطهری نظر متفاوتی دارند و مثنوی را اصولِ اصولِ دین می‌دانند. در باره حافظ هم با کمی تفاوت همین نظر را دارند و می‌گویند: «یک وقتی مرحوم آقای مطهری از من پرسیدند نظر شما راجع به مثنوی چیست، همین را گفتم. گفتم به نظر من مثنوی همین است که خودش گفته: و هو اصول ... ایشان گفت کاملاً درست است، من هم عقیده‌ام همین است. البته در مورد حافظ یک مقدار با هم اختلاف عقیده داشتیم...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۶/۲۵)

## ۲-۶. آسیب شناسی زبان فارسی

همان گونه که پیشتر گفته شد، آیت الله خامنه‌ای به زبان فارسی عشق می‌ورزند، و جایگاه زبان فارسی را به عنوان زبان دوم اسلام و محمول فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی بسیار رفیع و والا می‌دانند و از هر فرصتی برای ستایش آن استفاده می‌کنند؛ به همین دلیل نیز نسبت به سرنوشت و خطراتی که این زبان جذاب و شیرین را تهدید می‌کند؛ حساس بوده‌اند. ایشان در مقاطع مختلف و به مناسبت، دلسوزانه به آسیب شناسی آینده نگرانه نسبت به زبان فارسی پرداخته‌اند که از جمله

آنها می توان به مواردی همچون تسلیم در مقابل زبان محاوره عامیانه، تن دادن به غلط های رایج در محاوره عمومی، نفوذ واژه های بیگانه، غلطگویی و... اشاره کرد. ایشان تسلیم در مقابل زبان محاوره عامیانه را خطر بزرگی می دانند و معتقدند ادبا و صاحب نظران آگاه و فرزانه باید با غلط های رایج در محاوره عمومی، مقابله کنند و در برابر آن تسلیم نشوند. (خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲) در فقره دیگر آفت دیگر زبان فارسی را ورود بی رویه و نفوذ واژه های بیگانه در زبان فارسی عنوان می کنند و پیشرفت زبان فارسی را مستلزم ساختن واژه های نو برای علمی که از اروپا و از غرب وارد کشور ما شده است، می دانند. (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) همچنین ایشان ترجمه ترکیب های غلط زبان های بیگانه و بکار بردن آنها در سطوح بالا و مردمان با اسم و رسم و عالمان را که باعث جا افتادن این ترکیب های غلط می شود؛ نیز از دیگر آسیب های زبان فارسی معرفی می کنند که آینده این زبان را به مخاطره می اندازد. (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷) غلط گویی، بخصوص در مجامع پرمخاطب نیز از آن آفت هایی است که ایشان از آن به مثابه سیلی ای دردناک یاد می کنند که علاوه بر اینکه موجبات زبان درازی دشمنان را فراهم می کند، رفته رفته موجب رسوب کردن و جا افتادن آن در تداول عامه هم می گردد. (خامنه ای، ۱۳۶۹/۵/۷)

### نتیجه گیری

با نگاه به مجموعه نکات یاد شده در زمینه نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در معماری فرهنگی جامعه، این پژوهش نشان داده است آیت الله خامنه ای، به عنوان معمار فرهنگی کشور، زبان فارسی را ترکیب پذیر، شیوا در عین سادگی، غنی و سرشار، باگنجایش و ظرفیت، آهنگین و شیرین می دانند و به خاطر این ویژگی ها و از منظر عاطفی و احساسی جدای از ساحت باورها و اعتقادات، آن را عاشقانه دوست دارند. ایشان همچنین زبان فارسی را دارای گستردگی، قدرت نفوذ و فراگیری، و آن را زبان علم، زبان دوم دین اسلام، زبان اول مذهب تشیع و انقلاب اسلامی دانسته و این چهار مقوله (علم، دین اسلام و مذهب تشیع، انقلاب اسلامی و زبان فارسی) را در پیشرفت و گسترش هم تأثیرگذار عنوان می کنند. آیت الله خامنه ای بر آنند هر کس به معارف بشری علاقه مند باشد، باید برای زبان فارسی ارج و مرتبه ای ویژه قائل باشد؛ چرا که بخش عظیمی از موارث کهن بشریت، اعم از فلسفه، دین، علم، اخلاق، عرفان و سیاست به وسیله زبان فارسی منتقل شده است که دست یافتن به آن بدون اطلاع از این زبان آسان نیست. از آنجا که احیای تمدن ایرانی اسلامی از اهداف بلند آیت الله خامنه ای محسوب می شود و زبان و ادبیات فارسی و هنرها، ظرافت ها و امکانات موجود در آن نقش تعیین کننده و بسزایی در انتقال مفاهیم فرهنگی و تمدنی اسلامی ایرانی

دارد، بنا براین ایشان به رشد، نفوذ و گسترش زبان فارسی بسیار اهمیت قائل اند؛ و البته به درستی هم تأکید می کنند که این کار نیاز به تفکر و برنامه ریزی دارد. بر همین اساس ایشان نسبت به سرنوشت و خطراتی که این زبان جذاب و شیرین را تهدید می کند حساس هستند و لازمه مصون ماندن آن در برابر آفت ها و خطراتی مانند هجوم زبان محاوره و غلبه واژه های بیگانه، غلط گویی و ترجمه های غلط و... که این زبان فاخر و با نفوذ را تهدید می کند، آسیب شناسی دلسوزانه و برنامه ریزی درست و دقیق می دانند.

منابع و مأخذ:

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۴)، "تاریخ زبان فارسی". تهران: سمت
- آقاگل زاده. فردوس (۱۳۸۲). "نگاهی به تفکر و زبان". تازه های علوم شناختی. سال ۵. شماره یک.
- جهان بین، فرزاد (۱۳۹۷). «باغبانی فرهنگ؛ مدیریت فرهنگ در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)». مجله: مطالعات انقلاب اسلامی. تابستان. شماره ۵۳. ص ۱۰۳ - ۱۲۶.
- جهان بین، فرزاد؛ معینی پور، مسعود (۱۳۹۳). «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای». مجله: مطالعات انقلاب اسلامی. زمستان. شماره ۳۹. ص ۲۹ - ۴۶.
- حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۷۲ و ۷۳). «سخن نخست: خامنه ای حضرت آیت الله خامنه ای، مقام معظم رهبری در جمع هنرمندان و اساتید نقاشی کشور». مجله هنر. شماره ۲۴. ص ۵ - ۱۲.
- خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ اصغری صارم، علی (۱۳۹۸). «طراحی چارچوب مسئله شناسی فرهنگی در دانشگاه ها از دیدگاه امام خامنه ای». نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی. زمستان. دوره ۹. شماره ۴ (پیاپی ۳۳). ص ۵۴۳ - ۵۶۴.

خامنه ای، سید علی (۱۳۷۴). «سخنان و رهنمودهای رهبر معظم حضرت آیت الله خامنه ای در مجلس دیدار با اعضای شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی». مجله: نامه فرهنگستان. بهار. شماره ۱. ص ۲-۶.

خامنه ای، سید علی (۱۳۹۲). «در زلال اندیشه: نقشه راه فرهنگی کشور در بیانات اخیر امام خامنه ای». مجله کیهان فرهنگی. شماره ۳۲۴ - ۳۲۳ - ۳۲۲. ص ۵ - ۸.

خامنه ای، سید علی (۱۳۹۵). «امام خامنه ای: مهمترین ثروت های ما ثروت فرهنگی است». مجله: کیهان فرهنگی. اسفند. شماره ۳۶۳. ص ۵ - ۷.

دارا، جلیل؛ قربانی تازه کندی، سعید. (۱۳۹۸). «بازشناسی نقش مولفه های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه ای». نشریه: پژوهشنامه انقلاب اسلامی. تابستان. دوره ۹. شماره ۳۱. ص ۲۰۹ - ۲۳۶.

رحیم پور، احداله؛ نوروزی داودخانی، ثوراله. (۱۳۹۶). «زبان فارسی در آئینه کلام مقام معظم رهبری، حضرت امام خامنه ای». فصلنامه بهارستان سخن. دوره ۱۴. شماره ۳۸. صفحه ۱۹۳-۲۱۰.

روشنایی، پرهام؛ عمیدی مظاهری، نوید؛ امامی، سیدمجید (۱۳۹۷). «الگوی جامع فرهنگ قرآنی و تبیین نقش آن در تغییرات فرهنگی جامعه اسلامی از منظر آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)». نشریه: مطالعات قرآن و حدیث. بهار و تابستان. دوره ۱۱. شماره ۲ (پیاپی ۲۲). ص ۳۱ - ۶۰.

صنیعی، محمدحسین؛ لنگری، علی (۱۳۹۸). «شناخت و تبیین فرهنگ اصیل اسلامی از منظر امام خامنه ای (مد ظله العالی)». نشریه: امنیت ملی. تابستان. دوره ۹. شماره ۳۲. ص ۷-۲۲.

گراسمن، نیل (۱۴۰۰). «روح اسپینوزا یا شفای جان». تهران: انتشارات دوستان

مقیسه، محمدحسن. (۱۳۹۵). «امین زبان و ادب پارسی». تهران، انتشارات انقلاب اسلامی

گلی زواره، غلامرضا (۱۳۹۸). «در سایه سار نخل ولایت و رهبری: فرازهایی از زندگی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله

خامنه ای». مجله مبلغان. خرداد و تیر. شماره ۲۴۰. ص ۵۹ - ۷۲.

### مطالب مستخرج از پایگاه های اینترنتی [hamenei.ir](http://hamenei.ir) & [leader.ir](http://leader.ir)

(بیانات در دیدار استادان زبان فارسی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار استادان زبان فارسی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵)

(بیانات در بازدید از نمایشگاه مینیاتور و نگارگری، در حسینیه امام خمینی، ۱۳۷۲/۶/۱۰)

(بیانات در دیدار اعضای گروه ادب و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵)

(بیانات در دیدار جمعی از شعرای آئینی، ۱۳۹۰/۰۳/۲۵)

(بیانات در دیدار با شاعران در ماه رمضان، ۱۳۸۷/۰۶/۲۵)

(بیانات در دیدار استادان زبان فارسی، ۱۳۷۷/۱۲/۱۲)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۰/۱۱/۲۷)

(بیانات در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷)

(مرجعیت زبان فارسی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲)